

جریمه ۱۰ بانک متخلف و برکناری ۱۱ رئیس شعبه در پی جابه‌جایی ۳۰۰ همت پول مشکوک

شوک به تاریکخانه پول



گروه اقتصادی: اقتصاد ایران سال‌هاست با پیامدهای مخرب گردش مالی غیرشفاف و سوداگری دست‌وپنجه نرم می‌کند. طی یک ماه، بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان (۳۰۰ همت) در قالب تراکنش‌های پریسک جابه‌جا شده است؛ رقمی که اگر بخواهیم آن را ملموس کنیم، معادل بودجه عمرانی چندین استان کشور در یک سال است. ۲۷۱ پرونده با این حجم گردش مالی، این روزها روی میز دادستانی نشست‌ه است. عبور این حجم عظیم از نقدینگی از جریان‌های رسمی شبکه بانکی، نشان داد چگونه رقابت ناسالم بانک‌ها برای جذب سپرده، استاندارد حیاتی «شناخت مشتری» را قربانی منافع کوتاه‌مدت کرده و گریزگاه‌های امنی برای تطهیر پول‌های کثیف به وجود آورده است.

با این حال، واکنش اخیر نهادهای سیاست‌گذار پولی به این تخلفات گسترده تفاوت معناداری با رویه‌های متغلهانه گذشته دارد. بانک مرکزی این بار به جای اکتفا به هشدارهای بخشنامه‌ای، تیغ نظارت را به سمت بدنه اجرایی خود چرخانده و با اقداماتی بی‌سابقه نظیر جریمه بانک‌ها و برکناری رؤسای شعب متخلف نشان داده دوران فرار از مسؤولیت فردی به سر رسیده است. در کنار این برخوردهای انضباطی، طراحی یک سازوکار هوشمندانه و پلکانی برای سامانه‌های انتقال وجه با تعریف ۴۱ عنوان مشخص، گام بلندی است تا دیگر بهانه‌های مبهمی نظیر «تسویه حساب» پوششی برای پنهان کردن منشأ پول نباشند.

مسدود کردن روزنه‌های بانکی تنها بخشی از این کارزار است. رویارویی واقعی، نیازمند تغییر ریل نظام نظارتی از رویکرد «واکنشی» به رویکرد «پیشگیرانه» و خشکاندن ریشه‌های بنیادین فساد است. مقابله با پدیده‌های تلخی چون «اجاره هویت» و سوءاستفاده از شرکت‌های صوری، که در کنار ارتقای آگاهی عمومی، حلقه‌های مفقوده‌ای هستند که مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد اکنون روی آنها دست گذاشته است.

■ پایان مصوبیت در باجه‌ها

واقعیتی که کمتر کسی حاضر است آن را با صدای بلند بگوید این است که جابه‌جایی ۳۰۰ همت پول در قالب تراکنش‌های مشکوک، بدون همراهی (خواه خواسته یا ناخواسته) بخشی از بدنه اجرایی شبکه بانکی به‌سادگی ممکن نبود. رقابت بانک‌ها برای جذب سپرده‌های کلان پدیده‌ای است که هر ایرانی آشنا به فضای اقتصادی کشور آن را می‌شناسد؛ رقابتی که در سال‌های اخیر، استاندارد ساده و جهانی «شناخت مشتری» را به حاشیه رانده است. رئیس شعبه‌ای که موظف است رفتار نامتعارف یک حساب را گزارش کند، در عمل با فشار دیگری هم روبه‌رو است؛ فشار سهم بانک از منابع، فشار رقابت با شعبه رقیب، فشاری که گاه چشم را بر واقعیتی روشن می‌بندد.

این همان نقطه‌ای است که بانک مرکزی این بار تیغ نظارت را از سمت مردم و مشتریان معمولی، به سمت خود شبکه بانکی چرخانده است. بازرسی‌های حضوری و سرزده از شعب، دیگر یک اقدام نمایشی نیست و به نتایج ملموسی ختم شده است: جریمه نقدی برای ۱۰ بانک متخلف، رجوع پرونده آنها به هیات انتظامی بانک‌ها و برکناری ۱۱ رئیس شعبه در سراسر کشور که با کوتاهی در انجام تکالیف قانونی، زمینه سوءاستفاده را فراهم کرده بودند. این عدد ۱۱، هر چند در مقیاس شبکه بانکی کشور رقم بزرگی نیست اما پیام روشش این است که دیگر کسی نمی‌تواند پشت میز خود بنشیند و ادعا کند از منشأ پولی که هر روز از جلوی چشمش عبور می‌کند بی‌خبر بوده است.

■ سدسازی در برابر سیل سوداگری

در نشستاتی که رئیس کل بانک مرکزی با مدیران عامل و اعضای هیات مدیره بانک‌ها برگزار کرد، لحنش تفاوتی آشکار با ادبیات مرسوم جلسات بانکی داشت. عبدالناصر

همتی به صراحت گفت موضوع پولشویی به صورت جدی پیگیری می‌شود و با متخلفان در هر ۳ سطح بانک، شعبه و فرد برخورد قاطع خواهد شد. این جمله هر چند در ظاهر یک تذکر اداری به نظر می‌رسد اما در باطن نویدبخش تغییر رویه‌ای است که اقتصاد ایران سال‌ها منتظرش بود؛ یعنی مسؤولیت‌پذیری شخصی مدیران بانکی در قبال گردش پولی که از زیر دست‌شان عبور می‌کند.

تجربه تاریخی اقتصاد ایران نشان داده هرگاه نظارت صرفا به شعار محدود بماند، بازار دارایی‌ها، از ارز گرفته تا طلا و مسکن، به‌سرعت دستخوش نوسان‌های سوداگرانه می‌شود. آنچه امروز از بانک مرکزی مشاهده می‌شود، تلاشی است برای بستن همان گلوگاهی که نقدینگی بادآورده سوداگران را تطهیر می‌کند؛ اقدامی که اگر با ثبات ادامه یابد، می‌تواند یکی از موثرترین ابزارهای کنترل التهاب بازار ارز در سال‌های اخیر باشد.

■ ۴۱ قفل بر گریزگاه‌های پولشویی

یکی از هوشمندانه‌ترین بخش‌های این اصلاحات، به سامانه‌های انتقال وجه ساتنا و پایا برمی‌گردد؛ جایی که تا پیش از این، درج یک عبارت مبهم مثل «بابت تسویه حساب» کافی بود تا میلیاردها تومان بدون هیچ ردی از منشأ آن جابه‌جا شود. بانک مرکزی حالا فهرستی مشخص از ۴۱ عنوان ارز در ۶ سرفصل کلیدی تعریف کرده است. معامله دارایی‌ها، را و رمز ارز، سرمایه‌گذاری، جبران خدمت، پرداختی‌های دولتی و نهادی و مرادوات شخصی. این دسته‌بندی در عمل زبان مشترکی برای رهگیری گردش پول در کشور ایجاد کرده که پیش از این وجود نداشت.

نکته قابل توجه در طراحی این سازوکار توجه به تناسب است. همان اصلی که غیبتش در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های گذشته اقتصاد ایران خود منشأ مشکل

بود. برای تراکنش‌های روزمره مردم تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان در روز، هیچ قید سخت‌گیرانه‌ای وضع نشده تا زندگی اقتصادی عادی شهروندان دچار اصطکاک نشود. در بازه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان تنها کافی است مشتری سرفصل یا موضوع تراکنش خود را مشخص کند اما از مرز ۵۰۰ میلیون تومان برای حساب‌های شخصی و ۲ میلیارد تومان برای حساب‌های تجاری ماجر جدی‌تر می‌شود. صرف انتخاب یک عنوان دیگر کافی نیست و بانک‌ها موظفند اسناد مثبته شامل مبایعه‌نامه، فاکتور، قرارداد رسمی یا اسناد پلکانی را از مشتری دریافت و در پرونده الکترونیکی نگهداری کنند. این پلکان‌بندی از منظر اقتصاد کلان، معنایی فراتر از یک مقررات اداری دارد. تفکیک دقیق موضوعاتی مانند خرید ملک، تسویه بدهی، معامله رمزارز یا حتی جابه‌جایی پول میان اعضای یک خانواده، زیرساختی برای تحلیل کلان‌داده‌های پولی فراهم می‌کند که سازمان امور مالیاتی نیز می‌تواند از آن برای شناسایی حساب‌های اجاره‌ای و تراکنش‌های غیرشفاف بهره برد. وقتی سرعت گردش پول شفاف و تراکنش مصرفی از تراکنش سفته‌بازانه جدا شود، بانک مرکزی می‌تواند بسیار سریع‌تر از گذشته انحراف نقدینگی به بازارهای موازی را ردیابی و مدیریت کند.

■ از حساب‌های اجاره‌ای تا شرکت‌های کاغذی

شاید عمیق‌ترین بخش این اصلاحات، در سخنان هادی خانی، رئیس مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد نهفته باشد. او با صراحتی که کمتر در گفت‌وگوهای رسمی شنیده می‌شود، اعلام کرد نظام مبارزه با فساد در کشور نیازمند تغییر ریل است. رویکرد سنتی، همواره پس از وقوع فساد وارد عمل می‌شد؛ یعنی فرد فاسد شناسایی و پرونده‌سازی می‌شد، در حالی که تبعات اقتصادی و اجتماعی فساد، همچنان در جامعه باقی می‌ماند. این رویکرد شبیه خاموش

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | فاکس: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌رسان: @vatanemrooz | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

بلکه در کلاس آموزش و برنامه تلویزیونی می‌گذرد. از منظر حقوقی نیز قانون مبارزه با پولشویی ظرفیتی دارد که کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. بر خلاف بسیاری از قوانین مرتبط با فساد که صرفا بر اصل برائت تکیه دارند، این قانون امکان توقیف اموال و دارایی‌های مشکوک را فراهم می‌کند و این وظیفه فرد متهم است که ثابت کند دارایی‌اش از مسیر مجرمانه به دست نیامده. استفاده جدی‌تر از این ظرفیت قانونی، می‌تواند ابزار مؤثری در دست نهادهای نظارتی باشد؛ ابزاری که اگر با احتیاط و دقت به کار گرفته شود، می‌تواند بدون آسیب به فعالیت‌های مشروع اقتصادی، مسیر پول‌های کثیف را ببندد.

■ مسیر دشواری که باید ادامه یابد

آنچه از مجموعه این اقدامات برمی‌آید، تصویری امیدوارکننده اما نیازمند تداوم است. بانک مرکزی هم در سطح افراد، هم در سطح شعب و هم در سطح خود بانک‌ها مسیر برخورد قانونی را با جدیتی نسبت‌بی‌سابقه دنبال کرده است. مسدودسازی حساب‌های مظنون، معرفی سرشاخه‌های اصلی به دادستان کل کشور، جریمه بانک‌های متخلف و برکناری مدیران شعب کم‌کار، همگی نشانه‌هایی از عزمی جدی برای پاکسازی شبکه بانکی از گردش پول‌های نامشروع است.

البته تجربه اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر، این هشدار را نیز به همراه دارد که هر موج اصلاحی، اگر با ثبات نهادی و پیگیری بلندمدت همراه نباشد، به مرور زمان کمرنگ می‌شود و سوداگران راه‌های تازه‌ای برای دور زدن مقررات می‌یابند. موفقیت این طرح در تداوم آن طی ماه‌ها و سال‌های آینده سنجیده خواهد شد. سال اصلی این است که آیا این فهرست ۴۱ عنوانی، این آستانه‌های پلکانی و این مسؤولیت‌پذیری شخصی مدیران بانکی، به رویه‌ای ماندگار در نظام بانکی کشور تبدیل می‌شود یا مانند بسیاری از طرح‌های مشابه گذشته در برابر فشار بازار و لابی‌های ذی‌نفع رنگ می‌بازد. در نهایت، تحولات اخیر در نظام بانکی و رویکرد جدید نهادهای سیاست‌گذار نشان‌دهنده یک چرخش راهبردی از نظارت‌های متغلهانه به اقدامات پیشگیرانه و ساطتاری است. الزام به شفاف‌سازی منشأ پول از طریق تعریف ۴۱ عنوان مشخص برای تراکنش‌ها و اعمال نظارت‌های پلکانی، در کنار برخورد بی‌تعارف و قاطع با مدیران بانکی متخلف، گامی مهم برای پایان دادن به حیط خلوت سوداگران محسوب می‌شود. این اقدامات ثابت می‌کند اگر اراده‌ای جدی برای بستن گریزگاه‌های پولشویی در کار باشد، ابزارهای اجرایی و حاکمیتی برای مهار نقدینگی‌های سرگردان کامل‌ا در دسترس است.

با این حال، پاکسازی کامل اقتصاد از تراکنش‌های تاریک تنها در باجه‌های بانک و سامانه‌های انتقال وجه خلاصه نمی‌شود. همان‌طور که واکاوی‌های مرکز اطلاعات مالی نشان داده، برای مهار این سیلاب مخرب باید سراغ خشکاندن ریشه‌های بنیادینی چون پدیده شوم «اجاره هویت» سوماستفاده از شرکت‌های صوری و ضعف آگاهی‌های عمومی رفت. تغییر ریل مبارزه با فساد از «برخورد پس از وقوع» به «پیشگیری ساختاری» و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های قانونی مانند توقیف دارایی‌های مشکوک، شرط لازمی است تا افراد کم‌بضاعت و ناگاه دیگر ابزاری در دست شبکه‌های فساد نباشند.

باید مجدد تأکید کرد آزمون اصلی این سیاست‌های اصلاحی در تداوم و استقامت آنها نهفته است. موفقیت نهایی این مسیر دشوار، در گرو آن است که شفافیت تراکنش‌ها و مسؤولیت‌پذیری شخصی مدیران به یک «رویه نهادینه و غیرقابل بازگشت» در نظام بانکی تبدیل شود. تنها در این صورت است که می‌توان به مهار پدیدار التهابات اقتصادی و انسداد همیشگی مسیر پول‌های کثیف امید بست.

مندوق ارزی به مثابه ابزار حکمرانی پولی؛ تحلیل شرایط لازم برای تحقق و توفیق آن

فرمول ثبات ارز

برای «هدیریت ذخایر» تنزل می‌یابد، نه «توسعه ارزآوری».
■ تحلیل شرط دوم: **الصاق به برنامه بازکردن حساب سرمایه از محل سپرده و نقد**

شرط دوم، یعنی تنظیم نرخ بهره صندوق به گونه‌ای که زیرساخت جذب سپرده‌های ارزی از خارج از کشور فراهم شود، به مساله حساس «بازکردن حساب سرمایه» گره می‌خورد. بازکردن حساب سرمایه در ادبیات اقتصادی، مشمیری دوبله است: می‌تواند جریان سرمایه خارجی را جذب کند اما در صورت نبود نهادهای تنظیمی قوی، به فرار سرمایه و بی‌ثباتی مالی می‌انجامد. صندوق ارزی می‌تواند به عنوان «پل تدریجی» عمل کند: به جای بازکردن کامل حساب سرمایه، ابتدا جذب سپرده‌های ارزی از ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران نهادی خارجی را از طریق نرخ بهره رقابتی و تضمین‌های نهادی فراهم کند. این امر، نیازمند طراحی دقیق نرخ بهره، سازوکار تضمین بازپرداخت و شفافیت نهادی است. تجربه کشورهایی مانند ترکیه و مالزی نشان می‌دهد جذب سپرده ارزی بدون چارچوب نظارتی می‌تواند به «لاری شدن» اقتصاد و افزایش آسیب‌پذیری منجر شود. بنابراین شرط دوم نه یک توصیه اختیاری بلکه یک الزام نظارتی است.

■ تحلیل شرط سوم: **الصاق به برنامه ODI**

شرط سوم، یعنی الصاق به برنامه سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج (ODI)، ناظر بر این واقعیت است که ارز جذب‌شده نباید صرفا در داخل راکد بماند یا به مصارف جاری تخصیص یابد. برنامه ODI باید دارای اقق‌های زمینی کوتاهمدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد: در کوتاهمدت، سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی خارجی با نقدشوندگی بالا، در میان‌مدت، مشارکت در پروژه‌های زیرساختی منطقه‌ای در بلندمدت، سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های صنعتی فراملی. نکته حیاتی آن است که ODI باید با هدف «رزآواری مجدد» طراحی شود، نه صرفا «خروج سرمایه». تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان می‌دهد که ODI، در صورت اتصال به زنجیره‌های صادراتی

می‌تواند به تقویت حساب جاری کشور مبدأ منجر شود. صندوق ارزی، در این چارچوب، به عنوان «پهاد واسطه» عمل می‌کند: سپرده‌های ارزی را جمع‌آوری و در پروژه‌های ODI با بازدهی ارزی سرمایه‌گذاری می‌کند. بدون این اتصال، صندوق به مخزنی تبدیل نمی‌شود که تنها کارکردش، انتقال ارز از سپرده‌گذار به مصرف‌کننده است.

■ تحلیل شرط چهارم: **الصاق به برنامه پولی در OMO**

شرط چهارم، ظرفیت‌رین و فنی‌ترین شرط است: الصاق به برنامه پولی در عملیات بازار باز (OMO) برای تأمین ذخایر پایدار از دست رفته بانک‌ها، وقتی سپرده‌های مدت‌دار از بانک‌ها خارج و جذب صندوق ارزی می‌شود، بانک‌ها با ناترازی ذخایر مواجه می‌شوند. اگر بانک مرکزی این ناترازی را جبران نکند، بانک‌ها به فروش دارایی‌های خود رو می‌آورند که می‌تواند به بحران نقدینگی و بی‌ثباتی مالی منجر شود.

برنامه OMO باید به گونه‌ای طراحی شود که بانک مرکزی، در ازای سپرده‌های غیردبдاری از دست رفته، ذخایر پایدار متناظر را تأمین کند. این امر، نیازمند ابزارهای پولی مناسب (مانند توافاق بازخريد، اعتباردهی قاعدهمند، خط اعتباری تریجیحی) و چارچوب نظارتی دقیق است. بدون این اتصال، صندوق ارزی به جای تقویت حکمرانی پولی، به عامل تضعیف آن بدل می‌شود. تجربه بحران‌های مالی در اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد نادیده گرفتن این پیوند، می‌تواند به سرایت بحران از بخش ارزی به کل نظام بانکی منجر شود.

■ سنتز راهبردی

تحلیل ۴ شرط فوق نشان می‌دهد صندوق ارزی، در ذات خود، یک «پهاد میانی» است که تنها در منظومه‌ای از سیاست‌های مکمل معنا می‌یابد. این منظومه ۳ ویژگی دارد: نخست، انسجام افقی (همراستایی سیاست صنعتی، ارزی، پولی و سرمایه‌ای)؛ دوم، تدریج‌گرایی (پرهیز از بازکردن یکباره حساب سرمایه)؛



محمد‌طاهر رحیمی

مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد مطرح شده، در نگاه نخست ایده‌ای نهادی برای سامان‌دهی به جریان‌های ارزی است اما اهمیت واقعی آن نه در خود ابزار، بلکه در نسبت آن با منظومه‌ای از سیاست‌های مکمل نهفته است. صندوق ارزی، به تنهایی و به مثابه یک راه‌حل جزیره‌ای نمی‌تواند مساله ارز را حل کند، بلکه شرط لازم حکمرانی ریل، تقویت تراز پرداخت‌هاست و صندوق ارزی تنها در صورتی به ابزاری اثربخش بدل می‌شود که به ۴ برنامه ساختاری الصاق شود: برنامه توسعه صنعتی صادرات‌محور، برنامه بازکردن تدریجی حساب سرمایه از محل سپرده و نقد، برنامه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران (ODI) و برنامه پولی مبتنی بر عملیات بازار باز (OMO) برای تأمین ذخایر پایدار. این گزارش، با اتخاذ رویکردی تحلیلی راهبردی، نخست چارچوب مفهومی حکمرانی ریل را تبیین می‌کند، سپس هر یک از شروط چهارگانه را تحلیل کرده و در نهایت، سنتز راهبردی و توصیه‌های سیاستی را ارائه می‌دهد.

■ **چارچوب مفهومی: حکمرانی ریل و مرجعیت‌زدایی از بازار سیاه (بازار موسوم به بازار آزاد ارز)**

حکمرانی ریل به معنای توانایی بانک مرکزی در مدیریت نرخ ارز، کنترل تورم و هدایت جریان‌های سرمایه‌ای در چارچوبی نهادی و قابل پیش‌بینی است. این مفهوم، پیش‌شرطی بنیادین دارد: تقویت تراز پرداخت‌ها. تراز پرداخت‌ها آیینة تمام‌نمای تعامل اقتصاد ملی با جهان خارج است و جریان‌ات ورودی و خروجی ارزی کشور را نشان می‌دهد و ضعف آن، هر سیاست پولی را به انفعال می‌کشاند. در شرایطی که حساب جاری کشور (تفاضل واردات